

بهداشت حمام‌های عمومی در دوره معاصر و نقش شهرداری‌ها (مطالعه موردی: شهر اصفهان)

عبدالمهدی رجائی*

چکیده

حمام‌های عمومی جزئی از زندگی اجتماعی جامعه دیروز بودند که با ظهور مدرنیته، مورد اعتراض اصلاحگران جامعه جهت افزایش معیارهای بهداشتی آن در تناسب با زندگی جدید قرار گرفت. یکی از این استانداردها استفاده از دوش به جای خزینه بود. شهرداری‌ها به عنوان متولی امر با اجبار دولتی حمامی‌ها را موظف به این تغییر می‌کردند. این مبارزه به دلیل مطالبه و خواست بخشی از مراجعان حمام‌ها، که استفاده از دوش را برنمی‌تافتند و خواستار استفاده از خزینه‌ها بودند، بسیار طولانی و پرفرازونشیب گردید، به طوری که از اواسط حکومت رضاشاه تا دهه چهل شمسی را دربرگرفت. در این پژوهش با مراجعه به منابع مطبوعاتی آن زمان، اسناد و تاریخ شفاهی سیر این ماجرا در شهر اصفهان به عنوان مورد مطالعه (Case Study) تبیین و تشریح گردیده است.

نتیجه این‌که به واسطه جدیت مقامات شهری و نیز خواست عمومی جامعه شهرنشین که محصول بالارفتن سطح بهداشت عمومی بود، فرآیند بهداشتی‌کردن حمام‌های عمومی شکل گرفت. با این حال، تغییرات یادشده چون از آن‌جا که با جنبه‌های فرهنگی جامعه هماهنگی کامل نداشتند، با دوره‌ای طولانی از کشمکش همراه شد و سرانجام، به واسطه بروز تغییرات اساسی در سبک زندگی و معماری خانه‌های شهری — که واجد حمام‌های خانگی شدند — موضوع حمام‌های عمومی و مسائل وابسته به آن، از حیات اجتماعی شهرها به کناری نهاده شد.

* دکترای تاریخ، دانشگاه اصفهان، مرکز اسناد اصفهان m1350323@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳

کلیدواژه‌ها: اصفهان؛ حمام‌های عمومی؛ تاریخ اجتماعی، شهرداری‌ها، بهداشت عمومی.

۱. مقدمه

امروز، اغلب خانه‌ها حمام دارند، اما از آغاز شهرنشینی تا حدود نیم قرن پیش، اوضاع چنین نبود؛ به جز خانه‌های اشراف و ثروتمندان که حمام سرخانه داشتند (هولستر، ۱۳۵۵: ۹)، در خانه‌های مردم عادی، محلی برای استحمام وجود نداشت. به همین سبب، تشکیلاتی به نام حمام‌های عمومی در شهرها و مراکز جمعیتی شکل گرفتند؛ حمام‌هایی که مردم مراجعه کرده، در ازای پرداخت پول یا مزد، از آن استفاده می‌کردند.

اما، حمام‌های عمومی فقط محلی برای شست‌وشو و پاکیزگی نبودند. این مکان‌ها به شکل اجتناب‌ناپذیری با «تاریخ اجتماعی» و آداب‌ورسوم و حتی اعتقادات مردم گره خوردند. در بسیاری از کتب تاریخ اجتماعی می‌توان رد پای این قرابت حمام و آداب‌ورسوم مردم را مشاهده کرد. یک پژوهشگر مردم‌شناس بر آن است که حمام‌های عمومی در واقع حالت «پاتق» را برای مردم داشتند که «برای دیدوبازدید، برای رتق‌وافتق مسائل اجتماعی، برای خریدوفروش و تصمیم‌گیری، همچنین درمان و معالجه، تدریس و تعلیم، صلح و آشتی، و خبرگیری و خبررسانی» از آن‌جا استفاده می‌شد (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۴۱). در سفرنامه کارلا سرنا (Carla Serena)، زن ایتالیایی که به سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م به ایران آمد، می‌خوانیم:

در گرمابه تنها استحمام نمی‌کنند بلکه به انواع آرایش و پیرایش دست می‌زنند. از جمله موی سر و ریش را به کمک سلمانی‌هایی که وابسته به تشکیلات حمام‌اند، با حنا و رنگ رنگین می‌کنند (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۶۸).

دکتر پولاک نیز که تا سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۶۰م در ایران می‌زیست، راجع به حمام‌رفتن زن‌ها می‌نویسد:

حمام برای بسیاری از زنان مرکز تجمع است تا در آن‌جا با هم به گفت‌وگو و اختلاط بپردازند و تازه‌ترین رویدادهای شهر را با یکدیگر در میان بگذارند. آن‌ها اغلب نصف روز را در آن‌جا به سر می‌آورند، شربت می‌خورند، یا با ساز و آواز وقت را می‌کشند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۷).

هنوز هم در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، حمام عمومی محل اجرا و انجام

بعضی مراسم و سنت‌های جمعی است. شاید، هنوز هم حمام‌هایی باشند که در آن‌ها عمل حجامت یا کشیدن دندان یا حتی اصلاح سر انجام شود. *طهران قدیم* از معماری حمام گرفته تا اعمال داخل قسمت‌های مختلف حمام، تا شوخی‌ها و بازی‌های مربوط به زمان استحمام را شرح داده است (شهری، ۱۳۷۰: ۱/ ۴۷۰-۵۵۰). در بیان اهمیت وجود حمام در یک شهر، همین بس که مثلاً در کتاب‌های تاریخ محلی در دوره قاجار، تعداد و اسامی این حمام‌ها در کنار سایر ابنیه شهر ثبت و ضبط می‌گردید. آخرین آن‌ها کتاب *اصفهان* است که در سال ۱۳۰۳ش / ۱۹۲۴م، اسامی ۸۵ حمام اصفهان را با نام و محله‌ای که در آن قرار دارد، درج کرده است (جناب، ۱۳۷۱: ۹۲).

۲. ظهور مسئله بهداشت حمام‌ها

مشکل از وقتی آغاز شد که سطح آگاهی جامعه به همراه میزان شهرنشینی بالا رفت و به همین نسبت دانش بهداشتی جامعه ارتقا یافت. در این شرایط، وضعیت حمام‌ها و آداب و رسوم مربوط به آن، با سلامت و بهداشت جامعه در اصطحکاک قرار گرفت. طبیعی است صدای اعتراض آگاهان و دلسوزان جامعه بلند شد. یک نقطه از اعتراض‌ها مربوط به خزانه حمام‌ها و وضعیت غیربهداشتی آب آن‌ها بود. قرن‌ها حساسیت چندانی نسبت به غیربهداشتی بودن آب خزانه حمام وجود نداشت، اما دانش جدید پزشکی باعث شد به تدریج اعتراضاتی به آب خزانه حمام‌ها در میان صاحب‌نظران شکل بگیرد. در اواسط دوره قاجار، میرزا تقی خان حکیم‌باشی، که خود پزشک فارغ‌التحصیل دارالفنون بود، راجع به آب خزانه حمام‌ها مطالبی از دریچه بهداشت عمومی ارائه داد:

آب حمام‌های عمومی دارای هرگونه مواد مسریه و اجزای سمیه مرضیه‌اند. زیرا که اشخاص مبتلا به سیفلیس و حرقه‌بول و آبله و تیفوس و اسکارلاتین و جرب و خراز و غیره، همه در یک حوض تغسیل می‌کنند و سم همان امراض در آن آب ریخته و باقی مانده، اغلب آب آن حمام‌ها به نوعی کثیف و بدبو می‌شود که تغییر رنگ و عفونتش بسیار واضح و محسوس است. پس با استحمام در این‌گونه آب‌ها ممکن است که امراض مذکوره سرایت نماید (فرهنگ اصفهان، ۲۶ صفر ۱۲۹۸: ۲).

این جملات نشان‌دهنده در آن زمان (سال ۱۲۹۸ق / ۱۸۸۱م) دانش پزشکی اولاً بیماری‌های مختلف را از هم تفکیک می‌داد و دوم این‌که راه سرایت و انتقال آن را می‌دانست. اعتراض و تنفر نسبت به این وضع از همان زمان آغاز شد. اعتمادالسلطنه در سال

۱۲۹۲ق/ ۱۸۴۵م، وقتی به‌اجبار به حمام شهرستانک رفت، درباره آن نوشت: «نقطه‌ای از نقاط ارض را به این کثافت ندیده بودم... آب خزانہ مضاف بود. چراکه غلیظ و عفن شده بود. خود را با آب سرد شسته و با کمال کثافت بیرون آمدم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۳).
باورها و آموزه‌های رایج با آن که بر امر بهداشت تأکید داشتند، بهداشت آب خزانہ در حمام‌ها فاقد جزئیات لازم بود. به نظر می‌رسد در نظر حمامی‌ها در تطبیق آب غیربهداشتی خزانہ با اصول شریعت، بر «کُر» بودن آن آب بوده است. حمامی‌ها آلودگی‌های واردشده را به آب، موجب نجاست آن نمی‌دانستند. در جامعه آن روز نیز که دستورالعمل‌های گوناگونی در مورد حمام‌رفتن وجود داشت و نکات بسیار ظریف و کوچکی را در این رابطه مد نظر قرار می‌داد، در باب تمیزی آب خزانہ و بهداشتی بودن آن فاقد دقایق لازم بود (مجلسی، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۲۲). به عنوان مثال در کتاب *نزهت*، در *آداب حمام‌رفتن* و *لباس پوشیدن در فرهنگ دینی (شیخیه)* نوشته شیخ علی بحرینی، به این امر توجهی نشان نداده و چارچوبی برای آب خزانہ و شرایط آن نداشت (بحرینی، ۱۳۵۰). شاید، تمیزی آب و نجس بودن آن مفروض پنداشته می‌شد. باید قبول کرد آن‌چه راجع به بهداشتی بودن آب خزانہ حمام‌ها می‌خوانیم، در آن روزگار اصولاً «مسئله» نبوده است. به قول یک شاهد عینی، «در گذشته موضوع میکروب مطرح نبود. ملاک پاکی آب آن بود که فاقد رنگ و بو باشد» (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۵: ۷۶).

ورود به عصر جدید بود که بهداشت عمومی را برای صاحب‌نظران و دلسوزان به صورت «مسئله» درآورد. این صاحب‌نظران نیز سعی داشتند افکار عمومی را نسبت به آن آگاه کنند. به همین خاطر، در دوره ظل‌السلطان، میرزا محمود، پزشک ارتش، سعی داشت به صاحب‌نظران دوران خود بقبولاند آب خزانہ با تغییراتی که در آن می‌شود، دیگر نجس محسوب‌شده و باید تعویض گردد:

هرگاه از روی انصاف ملاحظه کنیم آب‌های حمام‌ها غالباً نه رنگ طبیعی و نه بوی طبیعی و نه طعم طبیعی دارند. در این صورت یقین است موافق تعیین شرع مطاع نیست و هیچ‌وقت رؤسای ملت محمدی و اثناعشریه - کترالله امثالهم - این چنین آبی را در استعمال صحه نخواهند گذاشت (فرهنگ اصفهان، ۲۸ صفر ۱۳۰۴: ۴).

۳. وضع آن روز حمام‌ها

علی جواهرکلام تصویر زنده و مفصلی از حمام شیخ‌بهایی، مربوط به اواخر قاجار

(۱۳۰۳ش / ۱۹۲۴م)، برای ما باقی‌گذارده است؛ حمای که در آن سر مراجعین را می‌تراشیدند، بر رگ‌ها بیشتر می‌زدند و ده‌ها کار دیگر که سرانجام آب خزینۀ آن چنین می‌شد:

یک لایه آب چرب مخلوط با چرک و کف صابون سطح خزینۀ را پوشانیده بود. مثل این‌که شخص جرب‌زده و روغن‌مالیده‌ای هم همراه ما وارد خزینۀ شده بود، زیرا بوی تند گوگرد به مشام می‌رسید. به علاوه بوی اسید اوریک، یعنی جوهر ادرار هم بلند بود (جواهرکلام، ۱۳۹۱: ۵۴).

در میان منابع معاصر، یک شاهد عینی وضعیت حمام‌های شهر را با دقت و ریزینی زیاد به تصویر کشیده است. این شاهد که خود اهل اصفهان و از قضا پزشک هم هست، به‌خوبی و با نگاهی عالمانه مشکلات حمام‌های عمومی روزگار خود و نیز خزینۀ‌های کثیف آن‌ها را به توصیف نشستۀ است. عباس ادیب پس از معرفی قسمت‌های مختلف حمام از جمله بینه، گرمخانه و گلخن، راجع به خزینۀ می‌گوید:

واردشوندگان، مردان یا زنان یا کودکانی بودند که بدنشان به تفاوت از یک هفته تا شش ماه، آب شستشو ندیده بود. این بدن‌های آلوده به چربی و کثافات عرق بدن، همراه ته‌نشین گرد و خاک و خس و خاک کوچۀ‌ها و بیابان‌ها و مزرعۀ‌ها و حتی فضولات حیوانی بود. بسیاری از آن‌ها هم گرفتار بیماری‌های پوستی چون کچلی و کورک و زخم چرکی و تاول بودند... از سپیددم تا شب، ده‌ها و صدها نفر در این خزینۀ حاوی چند متر مکعب آب غوطه‌ور بودند. این آب حداکثر با فواصل یک هفته و بیشتر موارد با فواصل هر دو هفته یک‌بار عوض می‌شد... افزون بر این آلودگی‌ها، کودکان هم بی‌توجه و بی‌اختیار در آن ادرار می‌کردند و به‌ندرت قطعات مدفوع هم بر روی آب شناور بود (ادیب، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

بیش از همه، بیماری کچلی در دورۀ رضاشاه مورد توجه مسئولان امر قرار گرفت. یک گزارش از حمام‌های سِده (خمینی‌شهر فعلی)، از شهرهای تابع اصفهان، مربوط به سال ۱۳۱۶ش / ۱۹۳۷م، به ما می‌گوید در سیزده حمام این شهر خزانه‌ها چنین وضعی داشتند:

در زمستان زیادۀ بر هزار نفر و تابستان کمتر، اهالی در حمام آمده و هرکدام مقادیر زیادی از نجاسات و کثافات و خون و چرک، که آلوده بدان هستند، در خزانه مذکور گذارده و از آن‌جا بیرون می‌آیند. و مخصوصاً اشخاص کچلی که پردۀ‌های ضخیم کچلی روی سر آن‌ها تولید گردیده است، برای خیس خوردن که بتوان زایل نمود یا تراشید مدتی مکث در خزانه نموده و با ناخن‌های خود قسمت‌های خیس‌خورده را از سر جدا نموده و در خزانه برای تأثیر به دیگران می‌گذارند. خزانه‌های حمام‌های سده هشتاد درصد آب و بیست درصد

حداقل نجاسات و کثافات و چرک و ریم و میکروب سالک و کچلی و جرب و تراخم و زرده زخم و سیفلیس و غیره است.

بر اساس این گزارش اداری، نمی‌توان مسئولیت را بر عهده حمامی گذاشت:

هرگز نمی‌تواند که حمامی دخول آن‌ها را در حمام مانع آید و فرضاً هم اگر کسی جراحت آکله [جدام] داشته باشد و حمامی بداند و او را در حمام راه ندهد، آن شخص خودش یا بستگانش درب حمام را باز نموده و مقصد خود را انجام می‌دهد و در هر حال حمامی از کثرت جمعیت واردین اولاً ملتفت دخول همه‌کس نمی‌گردد و اگر هم ملتفت گردید تمکین از منع ندارد (ساکما اص: ۳۳۹ / ۵۹۳).

حمامی‌ها برای تمیزکردن خزانه از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کردند که جاروکردن روی آب و گذاشتن الوار روی آب خزینه برای جذب چربی سطح آب و پاشیدن شیر آهک، تعدادی از این راه‌ها بود. شیرآهک موجب می‌شد تا چرک و آلودگی‌ها منعقد و ته‌نشین گردیده و سپس با ابزار مخصوصی به خارج رانده شوند (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۵: ۱۰۵). ولی، عام‌ترین روش، استفاده از دستگاهی به نام «مکش» بود. حمامی هر روز صبح قبل از همه به داخل خزینه می‌رفت و با خلئی که دستگاه قیف مانند مکش ایجاد می‌کرد، «تمام لجن و موهای ته‌نشین شده و چرک و کثافات خزینه را جمع می‌کرد و بیرون خزینه می‌ریخت» (فروزانفر، ۱۳۹۰: ۳۴).

۴. خرافه در حمام

می‌توان گفت تا این‌جا تلاش در حد وسع و دانش بشر آن روزگار بود، اما وضعیت وقتی بغرنج‌تر می‌شد که این حرکات ضد سلامت، جنبه خرافی یافته می‌یافت. عده‌ای از مردم گمان می‌کردند آب کثیف خزانه خاصیت درمانی دارد؛ پس، به صور گوناگون از آن مورد استفاده می‌کردند؛ مانند استنشاق، مضمضه و غرغره کردن (شهری، ۱۳۷۰: ۱ / ۴۸۲). یک‌قرن ونیم پیش، میرزا تقی‌خان حکیم‌باشی درباره این اشخاص اظهار کرد: «بعضی اشخاص به گمان این‌که آب حمام را منفعتی مخصوص است صبحگاه پس از دخول در آن‌ها، به ناشتا، یک کف از آن آب‌ها را می‌خورند» (فرهنگ اصفهان، ۲۶ صفر ۱۲۹۸: ۴). درباره امراض پوستی نیز این اعتقاد وجود داشت که رفتن در خزانه حمام عمومی، موجب التیام آن می‌شود. روزنامه فرهنگ نوشت:

اشخاصی که مبتلا به انواع امراض جلدی هستند محض این‌که کثافات را از خود دور کنند

داخل خزانة شده، جراحات خود را با آب حمام می‌شویند و عوام شهرت داده‌اند که آب حمام دوی خوبی است جهت التیام جراحات، دیگر نمی‌دانند که اگر خودشان گرفتار به امراض مسریه هستند، دیگران را هم مبتلا می‌نمایند (همان، ۲۸ صفر ۱۳۰۴: ۴).

یک شاهد متأخرتر به یاد می‌آورد شفابخشی آب خزینه در نظر مردم عامی به قدری بود که «اگر کسی زخمی در بدنش پیدا می‌شد می‌گفتند بایستی با آب خزینه شستشو شود تا زود خوب شود. آفتابه‌ای می‌بردند در حمام و به حمامی می‌گفتند آفتابه را از آب خزینه پر کند و می‌آوردند منزل و آن زخم را شستشو می‌کردند» (فروزانفر، ۱۳۹۰: ۳۶). گزارشی از حمام‌های دوره رضاشاه از سده به‌صراحت می‌گوید: «اهالی، آب خزانة حمام را دوی قطعی تمام قروح خبیثه مسریه و غیر مسریه» می‌دانند (ساکما اص: ۳۳۹ / ۵۹۳). در بخشی که خرافات در تقابل مستقیم با بهداشت قرار می‌گرفت، حرکت به سمت سلامت و ارتقای بهداشت بسیار پیچیده و دشوار می‌گردید.

از اثر شفابخشی آب خزانة که بگذریم، نوعی اثر «جادویی» نیز برای آن متصور بودند. روزنامه/خگر در سال ۱۳۰۷ش / ۱۹۲۸م راجع به حمام شیخ‌بهایی آورد:

چنانچه عموم اهالی اصفهان مطلع‌اند زن‌های موهوم‌پرست، که اکثریت طبقه نسوان را تشکیل می‌دهند، در شب چهارشنبه آخر صفر، برای آن‌که بخت و اقبالشان گشاده شود و شوهری برای دخترشان پیدا کنند یا آن‌که در نزد شوهر عزیز شوند، به حمام شیخ و کاغذگرخانه رفته، مقداری از آب منجلاب این دو محل را نوشیده و به روی خود می‌پاشند. این عمل علاوه بر مفاسد اخلاقی و ناموسی که دربردارد، از نقطه نظر حفظ‌الصحه ضررهای زیاد وارد می‌آورد (اخگر، ۴ آذر ۱۳۰۷: ۵).

بیست سال بعد، نویسنده کتاب *دبانی‌ها و شنیدنی‌های ایران* که به سال ۱۳۲۷ش / ۱۹۴۸م به اصفهان آمده، صحنه‌هایی از حمام شیخ به تصویر کشید که نشان می‌دهد این رسوم غلط تا آن سال‌ها و پس از آن نیز ادامه داشته است؛ زن‌هایی که برای قاپیدن قطعه‌ای از آب یا لجن مقدس خزانة حمام از سروکول هم بالا می‌رفتند:

یک نفر مرد در حالی که پاهای خود را بالا زده است در یک طرف ایستاده و با قاشق بزرگی مثل این که حلوا از دیگر تقسیم می‌کند، مرتباً قاشق را به میان لجن‌ها زده و زنان هم در گرفتن آن بر دیگری سبقت کرده، و در حالی که هریک دو ریال به آن مرد می‌دادند، لجن‌ها را توی دست کرده و به سر و لباس خود می‌مالیدند (دانشور، ۱۳۲۶: ۱۵۰).

این کارکرد حمام، که اثر مستقیمی با پاکیزگی نداشت، بلکه با جادو و جنبل همسویی می‌یافت نیز جزوی از تاریخ اجتماعی حمام‌هاست.

۵. حمام‌های عمومی شهر و بلدیّه‌ها

از بدو تأسیس بلدیّه‌ها در زمان مشروطه، بر مبنای قانون بلدیّه‌ها، که در مجلس اول به تصویب رسید، امور بهداشت و درمان شهر و نیز امور انتظامات آن، بر عهده بلدیّه‌ها نهاده شد. به‌ناچار، بلدیّه‌ها برای ساماندهی مسائل بهداشتی و درمانی شهر چاره‌هایی اندیشیده و درگیر موضوعاتی دشوار می‌گردیدند. شاید، یکی از نخستین تصمیمات مدیران شهری اصفهان - انجمن ولایتی - آن بود که «چهار حوض»^۲ حمام‌ها را بستند، آن هم به خواهش کسانی که از منکرات واقع شده در آن‌ها شکایت داشتند؛ متن خیر:

جمعی عارض بودند که از جانب انجمن مقدس چهارحوض‌های حمام‌ها مسدود و موقوف شود که جای انواع منکر بود و فساد کلی بر آن مترتب بود. در این باب بعد از مذاکرات بسیار به اکثریت آراء صلاح در مسدودشدن دیدند (انجمن مقدس ملی، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ۲).

اقدام دیگر اداره حفظ‌الصحة بلدیّه در اوآن مشروطیت آن بود که دستور داد دست‌کم هر چهل روز یکبار آب خزینه‌ها تعویض گردد (اخوت، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

وضع بدین قرار بود تا سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م بلدیّه‌ها بازسازی شده و قدرتی کسب کردند. از سوی دیگر، رشد فکری جامعه و گسترش شهرنشینی، بالا رفتن سواد عمومی و ایجاد طبقه متوسط شهری موجب گردید درخواست‌ها برای ارتقای سطح بهداشت جامعه شدیدتر شود. در این میان، بلدیّه‌ها به عنوان مجری امور کلی شهر مورد توجه قرار گرفتند تا شهرها را به لحاظ بهداشتی مناسب‌تر گردانند. این نهاد نوپا نیز به واسطه قدرتی که از انجمن شهر (منتخب مردم) و شهردار (منصوب وزارت داخله) کسب می‌کرد، اقدامات دامنه‌داری را در این زمینه آغاز کرد. بلدیّه در موضوع اصناف، طرح «کارت‌های سلامت» اصناف را پیاده کرد و برای اصناف «نظام‌نامه‌هایی» را تهیه و اجرا کرد که به وضعیت بهداشتی آن‌ها سروسامان می‌داد.^۳ گفتنی است به موجب قانون بلدیّه مصوب سال ۱۳۰۹ش، به‌صراحت امر «مراقبت در پاکیزگی حمام‌ها» به عهده بلدیّه نهاده شده بود.

هم‌زمان با گسترش طب جدید و نیز برپایی بیمارستان‌های جدید در شهرها، نظام پزشکی جدید مبتنی بر بهداشت و پیشگیری، بیش از پیش در میان جامعه ریشه دواند. بر همین اساس، باید که حمام‌ها نیز از آن وضعیت درمی‌آمدند. روزنامه «خگر» که در نقد اجتماعی گوی سبقت را از هم‌قطاران ربوده بود، در سال ۱۳۰۷ش / ۱۹۲۸م راجع به حمام‌های شهر نظرهایی داشت:

حمام‌های اصفهان بی‌اندازه کثیف و ناشر میکروب امراض مختلفه است. بهترین خزینه‌ها ماهی یک مرتبه آبش عوض می‌شود. در این خزینه‌ها هر روز یک عده زیادی مبتلایان به امراض تناسلی و جلدی وارد این حمام‌ها می‌شوند. رؤسای محترم دوایر و متمولین خودشان اغلب دارای حمام سرخانه هستند و یا به حمام دوش می‌روند. ولی اکثریت جمعیت شهر، که صدی نودوینج مردم را تشکیل می‌دهند، به همین حمام‌های پر از میکروب و کثافت تشریف می‌برند (اخگر، ۲۳ آبان ۱۳۰۷: ۴).

از مطالب بالا معلوم است که در سال مذکور، طبقات بالای جامعه دارای حمام سرخانه بودند و نیز معدودی حمام‌های عمومی دوش‌دار در شهر دایر بوده است.

در سال ۱۳۰۸ش / ۱۹۲۹م، حادثه‌ای در یکی از حمام‌های زنانه محله جویاره اتفاق افتاد که تکانی بود به اصلاح‌طلبان و ترقی‌خواهان که صدای خود را برای ساماندهی حمام‌های شهر بلندتر کنند. در حالی که حدود سیصد نفر در آن حمام مشغول استحمام بودند، در اثر غفلت حمامی، از تون حمام دود به گرمخانه نشت کرده و فقط یک نفر زن توانست فرار نموده و مردم را خبردار کند. فوراً طاق خزان را خراب کردند تا دود خارج شده و زنان در حال اغما از محل خارج گردیدند. در نتیجه مردم محل:

تشکیل کمیسیونی برای اصلاح حمام‌های محله جویاره داده‌اند و اعضای کمیسیون مذکور اینک تصمیم گرفته‌اند که هر سه حمام محله خود را مبدل به حمام دوش نمایند و از قرار مذکور به فوریت هم بنا و عمله فرستاده، مشغول ساختمان حمام فوق‌الذکر گردیده‌اند (همان، ۲۰ بهمن ۱۳۰۸: ۱).

روزنامه پس از ذکر این خبر اضافه کرد:

به طور کلی جای تعجب است که از طرف اداره بلدیّه تا کنون برای تغییر شکل حمام‌های شهری به حمام دوش تصمیمی جدی اتخاذ نشده است. در صورتی که بسیاری از حمام‌های اصفهان را در نهایت سهولت و با مخارج اندکی می‌توان مبدل به حمام دوش نمود (همان‌جا).

از این پس، در کنار درخواست برای اصلاح آب خزان‌ها، برداشتن خزان‌ها و تبدیل آن‌ها به دوش نیز جزو مطالبات ترقی‌خواهان شهر درآمد. اما، هنوز مدیران شهری بنا به مشکلات اجرایی، نقشه‌ای برای اجرای این تقاضا نداشتند. در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م، که پزشک بهداری (اداره صحیه) اصفهان به نام دکتر احتشام، از سمت خود استعفا داد، در گزارشی راجع به اقدامات خود در باب حمام‌های شهر نوشت:

در موضوع حمام‌ها و حمامی‌ها نظام‌نامه‌ای تحت ۱۷ ماده تهیه و طبع گردید و در تمام حمام‌ها به دیوار الصاق شد. وظایفی بود که حمامی و کارکنان حمام‌ها باید معمول دارند؛ حمامی‌ها به طور کلی همه‌ماهه آب خزان را عوض می‌کردند و مجروحین و مبتلایان به امراض مسریه و جلدی را هرگز اجازه دخول در خزان نمی‌دادند و کثافت‌کاری‌های سابق (از قبیل غسل اموات و حجامت و غیره و غیره) جزو مواد هفده‌گانه متروک گردید. دخانیات در حمام استعمال نشود (همان، ۴ دی ۱۳۰۹: ۲).

گویا، اداره بهداشتی تا این لحظه نقشه‌ای برای دوش‌دار کردن حمام‌ها نداشته‌است یا شاید اجرای چنین طرحی را پرهزینه و بعید می‌پنداشته‌اند.

۶. آغاز ماجرای دوش حمام‌ها

سرانجام، بلدیۀ اصفهان در سال ۱۳۱۱ش / ۱۹۳۲م، نظام‌نامه دیگری برای ساماندهی حمام‌های شهر منتشر کرد. مطابق این نظام‌نامه، که قسمت‌هایی از آن در زیر می‌آید، هر حمام عمومی باید حداقل یک دوش داشته باشد. باید بگوییم این آغاز ماجرای بلدیۀ اصفهان و دوش حمام‌های شهر بود. روزنامه/خبر خود در آغاز شرحی راجع به وضع بد حمام‌های شهر ارائه داد و سپس نظام‌نامه بلدیۀ را آورد:

حمام‌های اصفهان عموماً هر سی روز یک دفعه زودتر آب‌های خود را عوض نمی‌کنند و بلکه بسیاری از آن‌ها گاهی به مأمورین بلدی جا زده، از تغییر آب و یا به اصطلاح زیرآب‌زدن خزان‌های خویش شانه تھی می‌کنند. در صورتی که اگر یک بلدیۀ دلسوز، یک بلدیۀ قوی و صاحب‌اراده می‌داشتیم، تا کنون هفت عشر آن‌ها را توانسته بود که تغییر شکل داده و به حمام دوش مبدل نماید (اخگر، ۲۶ خرداد ۱۳۱۱: ۴).

روزنامه به وضعیت روشنایی حمام‌ها نیز اشاره کرده و معترض بود:

هنوز در حمام‌های ما، با داشتن کارخانه چراغ‌برق، همان چراغ‌موشی‌های عهد دقیانوس و یا آن چراغ‌نفتی‌های قدیمی که بوی تعفن و دود خفه‌کننده آن‌ها استحمام‌کنندگان را در آن فضاهای خالی از نفوذ دچار ضیق‌النفس می‌نماید، استعمال می‌شود و درجه تعفن حمام‌های ما به حدی است که اگر شما به کسی که تازه از حمام بیرون آمده است مصادف شوید، از چند ذرعی او بوی عفن حمام را استشمام می‌نمایید. دلاک‌های حمام‌ها که باید لااقل هر پانزده روز یک مرتبه معاینه شوند، چند ماه یک دفعه هم به زحمت معاینه می‌شوند (همان: ۲).

با این مقدمه، روزنامه‌ی اخگر نظام‌نامه‌ی بلدیه را در باب حمام‌ها درج کرد:

۱. کلیه حمام‌های عمومی مردانه و زنانه، اعم از این‌که دارای دوش خصوصی باشد یا نباشد، باید یک دستگاه دوش عمومی دارا باشد که شیرهای دوش مزبور متعدد و استفاده از آن برای کلیه مشتریان آزاد باشد.

۲. از این تاریخ به بعد اشخاصی که بخواهند حمام جدید عمومی ساختمان نمایند، یا بخواهند حمام‌های قدیمه متروکه را تعمیر و دایر کنند، علاوه بر رعایت مقررات صنفی، لازم است قبلاً به اداره بلدیه مراجعه نموده، دستورات صحی صادره را در موقع ساختمان اجرا نمایند. در صورت تخلف جلوگیری خواهد شد.

۳. کارگران حمام باید توسط اطبای صحی معاینه شده، تصدیق صحت مزاج دریافت دارند.

۴. استاد حمامی باید از ورود اشخاص مظنون به داشتن جراحات خارجی از قبیل کچلی، جرب، کوفت، سودا و غیره در ورود به حمام ممانعت نماید. مخصوصاً از ورود آن‌ها در خزینه عمومی باید جلوگیری شود.

۵. روغن مالی و ادویه در حمام به کلی ممنوع است (همان: ۳).

در این نظام‌نامه مفصل وجوه گوناگون بهداشت حمام در نظر گرفته شده و شاه‌بیت آن دارابودن حداقل یک دستگاه دوش برای هر حمام است. اما، آیا با تدوین و ابلاغ این نظام‌نامه، حمامی‌ها مفاد آن را اجرا کردند؟ اوضاع چنین نبود. در سال بعد، بلدیه اصفهان موضوع را جدی‌تر گرفت و حمامی‌ها را ملزم کرد تا آخر فروردین ۱۳۱۲ش/ مارس ۱۹۳۳م، لااقل یک دوش در حمام نصب کنند با این توضیح که «کلیه کسانی که بخواهند به ساختمان حمام جدید اقدام نمایند باید بر طبق نقشه و اجازه شعبه ساختمان بلدیه باشد» (همان، ۲۴ بهمن ۱۳۱۱: ۱).

روزنامه‌ی اخگر ضمن تحسین این جدیت بلدیه افزود:

انتظار داریم برخلاف سال گذشته که همین اقدامات شروع شد و عقیم ماند، در این سال با جدیت ریاست محترم فعلی بلدیه انجام داده... در قسمت دوش حمام‌ها شهر هم سعی شود که تا آخر مدت مقرر حمام‌ها دارای دوش گردد و مخصوصاً مراقبت بشود که منبع آب دوش با خزینه عمومی، مثل بعضی از حمام‌های دوش فعلی، یکی نبوده و برای دوش، منبع آب جداگانه‌ای ساخته بشود (همان: ۵).

کلام/خگر علاوه بر این‌که ضعف شهرداری اصفهان را در اجرای دستورهایش نشان می‌دهد، بر این حقیقت تلخ نیز انگشت می‌گذارد که در فقدان لوله‌کشی آب، بعضی

حمامی‌ها، دوش نصب‌شده را به خزینۀ عمومی حمام وصل کرده بوده‌اند؛ یعنی، آب کثیف خزینۀ در دوش جاری بود!

گویا، حمامی‌ها توجه بسیاری به التیماتوم بلدیۀ نشان نداده بودند، چراکه بلدیۀ در سال بعد نیز همین درخواست را تکرار کرد. شاید امروزه برای هرکسی ارجح بودن نصب دوش بر خزینۀ‌های کثیف آشکار باشد، اما در هشتاد سال پیش چنین نبود. علل مختلفی باعث می‌شد حمامی‌ها نسبت به نصب دوش استقبالی نشان ندهند. علت اقتصادی آن بود که در صورت نصب دوش مصرف آب خصوصاً آب گرم چند برابر می‌شد و هیچ حمامی این خسارت را نمی‌پذیرفت؛ اما، علت دوم فرهنگی بود و محصول یک نگاه متحجرانه. آن را از زبان شاهد عینی بشنویم که می‌گوید بعد از الزام استفاده از دوش،

بر سر این مسئله از سوی بسیاری ... سر و صدا بلند شد که غسل در زیر دوش درست نیست و باید در خزینۀ صورت گیرد. از این‌رو بسیاری از افراد از دوش‌گرفتن احتراز داشتند و به هر صورت بود خود را به خزینۀ می‌رساندند و حتی سال‌ها استفاده قاجاقی و مخفیانه از خزینۀ معمول بود (ادیب، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

به هر حال، بلدیۀ تلاش خود را می‌کرد. در بهمن ۱۳۱۲ش / ژانویۀ ۱۹۳۴م، از حمامی‌ها خواست دوش خود را نصب کنند تا در آغاز سال ۱۳۱۳ حمامشان دوش‌دار باشد (اخگر، ۳۰ بهمن ۱۳۱۲: ۲). اما، سخت‌گیری‌های بلدیۀ چندین اثر نداشت و ماجرا به سال ۱۳۱۵ش / ۱۹۳۶م کشیده شد. بلدیۀ اصفهان تا اول آبان آن سال به حمامی‌هایی که تا کنون دوش نصب نکرده‌اند، اخطار داد:

مالکین و مستأجرین حمام‌های شهر تا اول آبان اقدام به ساختمان دوش و تهیه چاه‌های فاضل‌آب برای حمام‌های خود بنمایند و چنان‌چه تا تاریخ فوق اقدام نشود بلااستثناء حمامی‌ها که فاقد دوش و چاه فاضل‌آب باشد از طرف شهرداری بسته خواهد شد (اخگر، ۲ شهریور ۱۳۱۵: ۲).

در پایان ضرب‌الاجل، دایرۀ تفتیش شهرداری به حرکت درآمد و به جلب حمامی‌هایی که دوش نصب نکرده بودند برآمد:

چون طبق اعلانات سابق شهرداری موعده مهلتی که برای دوش‌نمودن حمام‌های عمومی شهر از طرف شهرداری تعیین شده بود خاتمه یافته است، لذا اخیراً دایرۀ تفتیش شهرداری حمامی‌هایی که تا حال اقدام به ساختمان دوش در حمام‌های خود ننموده‌اند، تحت تعقیب قرار داده و متخلفین را جلب و تعقیب می‌نماید (همان، ۱۱ آبان ۱۳۱۵: ۱).

این که چه تعداد حمامی اخطار گرفته و تعقیب شدند معلوم نیست.

در این زمان، تصمیم عمومی مدیران شهری این گردید که افکار عمومی را بیش از پیش درگیر کرده و به اصطلاح امروز در این باره به «فرهنگ‌سازی» اقدام کنند. مدیر روزنامه‌/خگر، که خود عضوی از شورای شهر بود، در مقاله‌ای با نام «طرز زندگی را باید تغییر داد»، با اشاره به اعلان شهرداری که از همشهریان خواسته بود با شهرداری همکاری کرده و خود حمام‌های بی‌دوش را بایکوت نمایند، کوشید مخاطبان روزنامه را به فکر وادارد:

طرز زندگی امروز ما با زندگی ده سال پیشمان تفاوت زیادی کرده است. اگر ده سال قبل در روی سنگ صحن حمام‌ها می‌نشستیم و ریش یا گیسوان خود را حنا بسته، چندین ساعت از وقت عزیز خویش را صرف انجام چنین کار بیهوده‌ای می‌ساختیم، امروز دیگر این کار را نمی‌کنیم. بستن درب خزانه حمام‌ها و تبدیل آن‌ها به دوش به عقیده ما یک امر خیلی کوچکی به‌شمار می‌رود، بلکه باید قدم را فراتر گذاشت و تمامی اصولی را که دنیای متمدن امروزی برای بهداشت عمومی و حفظ و نظافت خویش وضع و قبول کرده است اتخاذ نمود. ... به عقیده ما باید روحیه ما در عرض این چندساله اخیر تا آنجا ترقی کرده باشد که اصلاً شهرداری شهر ما محتاج به نشر چنین اعلانی نبوده و مردم به‌خودی‌خود مصالح شخصی خود را تشخیص بدهند. باید سطح افکار ما تا آنجا بالا رفته باشد که ما به‌خودی‌خود در حمام‌هایی که دارای دوش نیستند وارد نشویم و صحت و تندرستی خویش را با غوطه‌خوردن در آب منجلاب‌هایی که به نام خزانه مرسوم بودند، دستخوش خطر هزاران امراض وحشت‌آور نسازیم (خگر، ۱۸ آبان ۱۳۱۵: ۲).

با این حال، مبارزه شهرداری با خزینه‌ها ادامه داشت. یک سال بعد، به سال ۱۳۱۶ش/ ۱۹۳۷م، تعدادی از آن‌ها به دایره بازرسی شهرداری اصفهان جلب شدند (همان، ۲۴ تیر ۱۳۱۶: ۳). سال بعد از آن، ۱۳۱۷ش/ ۱۹۳۸م، شهرداری اصفهان جدیتی به خرج داده و تعداد بسیاری از حمام‌های بدون دوش را تعطیل کرد. آیا این بار شهرداری حمامی‌ها را مجبور به نصب دوش می‌کند؟

چون بر حسب پیشنهاد و امر جناب آقای فرماندار اصفهان مقرر گردیده بود که اولاً حمام‌های شهر عموماً مبدل به دوش گردیده و ثانیاً تا وقتی که این عمل انجام نگردیده، هر ۱۵ روز یکبار آب آن‌ها عوض بشود، و این موضوع از طرف انجمن شهرداری نیز تصویب شده و حمامی‌ها برای اجرای این امر طبق دستور شهرداری حاضر نگردیده بودند، و تصور می‌کردند که صدور این دستور به مانند گذشته جز اجرای فرمالیته‌ای بیش نیست، لذا از طرف آقای قیامی، شهردار جدی اصفهان، مقرر گردید که درب تمامی آن‌ها را ببندند. و به همین جهت روز گذشته عدّه زیادی از حمام‌های شهر تعطیل گردیده و عجالتاً

شهرداری با حمامی‌ها مشغول مذاکره و اخذ تعهدنامه است که دستور مزبور را کاملاً به موقع اجرا بگذارند (همان، ۵ اردیبهشت ۱۳۱۷: ۳).

واقعیت آن است که شهرداری نمی‌توانست کار خود را به‌آسانی پیش‌برد. برای یک پژوهشگر تاریخ اجتماعی جای تأمل است که دولت رضاشاه که به‌آسانی توانست کلاه و لباس یک شکل بر تن مردان کند، با شدت و خشونت چادر از سر زنان بردارد، چرا این‌بار نمی‌تواند عده‌ای حمامی را مجبور کند دوش نصب کنند؟ شاید به این دلیل که بخشی از افکار عمومی و بعضی استفاده‌کنندگان از حمام‌ها، خواهان نصب و استفاده از دوش نبودند و مثل سابق مایل بودند از خزانه حمام استفاده کنند. به همین خاطر، شهرداری‌های سراسر کشور درگیری دامنه‌داری با حمام‌های شهرها و روستاها داشتند. نیز، می‌توان تصور کرد تنها مجازات شهرداری، یعنی بستن درب حمام پایان ماجرا نبود، چراکه با بسته‌شدن حمام محله، مراجعان و ساکنان محل سرگردان شده و خواستار بازگشایی آن می‌شدند. با این حساب، یک حمام را نمی‌توان به مدت طولانی تعطیل کرد، چراکه کاربری حمام همه‌روزه و جاری بود و با بستن هر حمام، در حمام‌های اطراف ازدحام ایجاد می‌شد. حال، اگر تعداد زیادی حمام هم‌زمان تعطیل می‌شدند، می‌توان پنداشت آشوبی در شهر پدید می‌آمد؛ پس، شهرداری راهی جز مدارا و اخذ تعهد و حداکثر تعطیلی‌های کوتاه‌مدت نداشت. عجیب نیست اگر از این تاریخ، شهرداری اصفهان به حمامی‌ها سه ماه دیگر مهلت داد که دوش حمام‌های خود را نصب کنند (اخگر، ۲۵ مرداد ۱۳۱۷: ۱).

نکته دیگر هم آن‌که حمامی‌ها خیلی زود راه‌های فرار از «تحمیل» شهرداری را یاد می‌گرفتند. در گزارش‌هایی که بازرس فرمانداری، محمدعلی مکرم، در سال ۱۳۱۷ش/ ۱۹۳۸م، از وضعیت بهداشتی شهر به فرماندار نوشته است، به‌خوبی معلوم می‌گردد که مأموران و بازرسان شهرداری موضوع عوض کردن آب خزانه و دوش‌ها را راهی برای دخل خود محسوب می‌کرده‌اند. در یک گزارش به تاریخ اردیبهشت ۱۳۱۷/ آوریل ۱۹۳۸، بازرس فرماندار افشا کرد «آب حمام‌ها مقرر بود هر پانزده روز عوض شود. آقای شهردار به‌کلی شخصاً هیچ‌یک از حمام‌ها را بازدید نکرده و رحیمی [بازرس شهرداری] بازدید کرده و یقین دارم و تحقیق کرده‌ام، تبعیض نموده است» (کتیری، ۱۳۸۸: ۲۱۱). در گزارشی دیگر، تبانی همین بازرس با بعضی حمام‌ها برملا شده است. مکرم در تاریخ ۱۳۱۷/۲/۱۹ به فرماندار نوشت:

دیروز جهت رسیدگی به چگونگی تغییر آب گرمابه‌های بخش سه حرکت کردم. حمام

سنگ‌تراش‌ها چون مشغول بنایی بوده‌اند، آب آن تازه بود. حمام شیخ پریشب آب عوض شده و آقای رحیمی سه ریال پول درشکه گرفته‌اند. حمام گود متعلق به امین‌التجار را خودم بازدید کردم، آب عوض نشده بود و خزانه‌ها پر بود. پرسیدم: چه وقت رحیمی این‌جا آمد؟ گفتند: امروز ظهر. گفتم: حالا بعد از ظهر است. چطور آب خزینه‌ها عوض شده و گرم هم شده؟ جواب نداشتند. در نتیجه معلوم شد که حمامی‌ها به عنوان عوض‌شدن آب، درب گرمابه را می‌بندند. و کسی که اطلاع از چگونگی ندارد. دلیل حمامی‌ها این است که آقای رحیمی آمدند و دیدند (همان: ۲۱۴).

در این وضعیت معلوم است که ساماندهی حمام‌ها به آسانی صورت نخواهد گرفت. به هر تقدیر، تا سال ۱۳۱۹ش / ۱۹۴۰م، همه حمام‌های شهر با ضرب و زور شهرداری دوش‌دار شدند، درب خزینه‌ها قفل شد، اما مثل این‌که بعضی از مراجعان حمام، خواهان استفاده از خزینه‌های سابق بودند. بنابراین، حمامی‌ها پنهانی درب خزینه‌ها را برای آن‌ها می‌گشودند؛ موضوعی که به گوش بازرسی شهرداری رسیده بود. پس، شهرداری ناچار شد علاوه بر بستن درب خزینه‌ها، آن‌ها را نیز پر کند!

با این‌که از مدتی پیش تمام حمام‌های شهر دوش شده و خزینه‌ها موقوف گردیده است، اخیراً مشاهده شده که بعضی از حمامی‌ها از دریچه‌های آهنی، که برای تعمیر خزینه بوده و درب آن قفل می‌شده، استفاده دیگر می‌نموده، یعنی اجازه می‌داده‌اند اشخاص برای شست‌وشو داخل در آب خزینه بشوند. لذا از طرف شهرداری بازرسی دقیق در این خصوص به عمل آمده و برای جلوگیری از این عمل، کلیه دریچه‌های خزینه‌ها گرفته شده و به علاوه کف حوض‌های آب نیز پر شده است (اخگر، ۱۸ آذر ۱۳۱۹: ۴).

۷. بازگشت به عصر خزینه‌ها پس از شهریور ۲۰

وضعیت حمام‌های شهر که طی یک دوره طولانی ده‌ساله همگی دوش‌دار شده بودند، پس از شهریور ۱۳۲۰ خیلی سریع به حال سابق برگشت. حمامی‌ها دوش‌ها را جمع کرده و خزینه‌ها را راه انداختند؛ شهرداری اصفهان هم سروصدایی می‌کرد، اما به دلیل این‌که هیئت دولت فروریخته‌بود، حمامی‌ها زیاد وقعی به آگهی‌های اخطار شهرداری نمی‌گذاشتند. اما، مطبوعات و افکار عمومی بازگشت به وضع سابق را نمی‌خواستند. ضدیت با خزینه‌ها و بازشدن آن‌ها وقتی شدت یافت که در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ش / ۱۹۴۱م، پیرمردی در یکی از خزینه‌ها جان سپرد. متن خبر و تحلیل روزنامه/خگر:

بالآخره آگهی‌ها و اخطارهای مکرر شهرداری از خیره‌چشمی حمامی‌ها نکاسته، با هر حقه

و تدبیری می‌شود باز گاهگاه برخی از آن‌ها درهای خزان‌های خود را باز می‌کنند و [مراجعین] احمقی را که تمایل شدید به رفتن در خزانه و چندین بار زیر آب رفتن دارند، به داخل خزان‌های خود راهنمایی می‌نمایند. روز گذشته، سید محمود طراح، پنجاه ساله به حمام جنت واقع در جهانباره رفته و داخل خزانه می‌شود. چون آب داغ بوده، خفه شده، فوراً فوت می‌کند... به طوری که اهالی محل گواهی می‌دهند، خزانه حمام نامبرده همه‌روزه صبح زود درش باز و بعداً بسته می‌شود (اخگر، ۲ آذر ۱۳۲۰: ۱۷۰۲/۵).

بعد از این ماجرا بود که خبر رسید:

اداره شهرداری از کلیه حمام‌ها التزام گرفته که از صبح پنج‌شنبه فردا، بدون استثنا باید در خزینه‌های خود را مسدود کنند، متخلفین علاوه بر محرومیت از شغل خود، به سخت‌ترین مجازات تنبیه خواهند شد (نقش جهان، ۱۸ آذر ۱۳۲۰: ۲).

شهرداری اصفهان ناچار شد درب شش حمام متخلف را ببندد. حمام‌هایی که برخی درب خزینه‌های خود را سه مرتبه غیرقانونی باز کرده بودند:

در نتیجه این‌که از چندی پیش عده‌ای از صاحبان گرمابه‌های شهر، در خزینه‌های خود را باز کرده و به طور محرمانه در دسترس مشتریان خود گذارده بودند، ... اینک شش باب از گرمابه‌هایی که حمامی‌های آن‌ها سه نوبت این خلاف را مرتکب گردیده‌اند، به وسیله دادگاه شهرداری، گرمابه‌های آن‌ها تعطیل و از کسب ممنوع شده‌اند (اخگر، ۱۰ اسفند ۱۳۲۰: ۲).

اما، وقتی خبرنگار روزنامه اصفهان خبر داد که همه حمام‌های تعطیل‌شده، دوباره و چندباره مهر و موم شهرداری را شکسته‌اند، با خشم فراوان پرسید:

مگر شکستن قفل و مهر و موم مأمور دولت بر طبق قوانین موجوده، حکم آن زندان نیست؟ چرا فردرد آن‌ها را تحویل دادسرا و در نتیجه زندان شهربانی نمی‌دهید که به سزای عمل خلاف قانون خود برسند و این خزینه‌های خود را که در اغلب اوقات از گنداب بدتر و در اکثر مواقع از شدت درجه حرارت و داغی نمی‌توان در آن پا گذاشت، ببندند؟ به علاوه، عفو و بخشش یک نوبت، دو نوبت، سه نوبت است نه چندین مرتبه (اصفهان، ۶ بهمن ۱۳۲۲: ۳).

شهرداری اصفهان از این مبارزه خسته شده بود، لذا، جدی تصمیم گرفت به‌درستی دریابد چرا اغلب حمام‌ها، خزانه‌ها را بیش از دوش می‌پسندند:

لذا پس از بررسی از طرف بازرسی شهرداری و تعقیب موضوع و استفسار از تکرار عملشان، چنین پاسخ داده‌اند که بر حسب تقاضای مشتریان برای به‌جا آوردن غسل ارتماسی به بازبودن درب خزینه‌های خود اقدام نموده‌ایم (اخگر، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۱: ۲).

با کمال تأسف به قول روزنامه عده‌ای «عالم‌نما» نیز در پشت این جریان قرار داشتند، چنان‌که روزنامه‌ی اصفهان سربسته خبر داد:

به خدا وظیفه‌ی عالم دفاع از آب سراسر میکروب خزانه نیست! والله شارع مقدس به این عالم‌نماها که با نظر کوتاه خود می‌خواهند دین مقدس اسلام را تحریف کنند نفرین می‌کند. ارکان اسلام بسته به طهارت و پاکیزگی است (اصفهان، ۱۷ تیر ۱۳۲۷: ۲).

مسلم قاطبه‌ی علمای شهر که بر اصل «النظافة من الایمان» باور داشتند، هرگز استفاده از خزانه‌های غیربهداشتی را تجویز نمی‌کردند. آن‌ها حتی به صورت عملی سعی داشتند جامعه‌ی مؤمنین را هشدار دهند که زیر دوش نیز می‌توان غسل کرد. استاد جمشید مظاهری به یاد می‌آورد روزی در سال‌های ۱۳۳۷ش / ۱۹۵۸م، وقتی در خیابان خواجه‌از مدرسه بازمی‌گشته‌است، جمعیت زیادی را دیده که آیت‌الله زند کرمانی پیشاپیش آن‌ها و در حال چاوشی‌خوانی و گفتن تکبیر و راهپیمایی بوده‌اند. وقتی علت را می‌پرسد، می‌شنود آیت‌الله در حال رفتن به حمام شریف در محله‌ی خواجه‌است تا در زیر دوش غسل کرده و نشان دهد چنین امری اشکال شرعی ندارد (مظاهری، ۱۳۹۲).

وضعیت تا سال ۱۳۲۴ش / ۱۹۴۵م، که خبر مندرج در روزنامه‌ی نقش‌جهان را می‌آوریم، تقریباً به همان ترتیب بود. این بار خبرنگار روزنامه یک حمامی را نشان می‌دهد که دوازده بار مَهر و موم شهرداری را شکسته است! و باز هم به عمل خود ادامه می‌دهد:

یکی از مهم‌ترین جاهایی که از این کلمه [آزادی] به تمام معنی استفاده کرده و تا آن‌جا که ممکن بوده است به کار بسته شده، بازکردن خزینه‌های اکثر گرمابه‌ها و تعطیل دوش‌های آن‌هاست. که ماشاءالله به قدری در این کار یعنی هدایت مردم به خزینه‌های گرمابه‌ها فعالیت به خرج داده شده و از کلمه‌ی آزادی استفاده کرده‌اند، که اگر بگوییم به استثنای گرمابه‌های درجه اول بخش یک، صدی نود گرمابه‌های بخش‌های دیگر دارای خزینه عمومی و بدون دوش است اغراق نگفته‌ایم. حمامی را سراغ دارم که از طرف شهرداری شاید در حدود ۱۲ مرتبه مَهر و موم شده و حتی سند ثبتی نیز از گرمابه‌دار آن گرفته شده، و از همه بالاتر او را بیست روز زندانی کرده‌اند، ولی با تمام این تفصیلات آقای حمامی گذشته از این‌که مهر و موم شهرداری را در تمام ۱۲ نوبت شکسته است، گویا یکی دو مرتبه هم نسبت به مأمور شهرداری توهین و حتی او را مورد ضرب و شتم هم قرار داده است (نقش‌جهان، ۱۴ بهمن ۱۳۲۴: ۵).

سال ۱۳۲۵ش / ۱۹۴۶م، اوج مبارزه‌ی شهرداری اصفهان با حمام‌های متخلف بود؛ مبارزه‌ای که شهرداری در آن «فرمانداری نظامی» را به کمک طلبیده بود. مروری بر اخبار مربوط:

طبق تصمیم شهرداری به آقای یزدان، رئیس بازرسی شهرداری مأموریت داده شده است که با کمک فرمانداری نظامی به گرمابه‌ها سرکشی نموده و هر جا خزانه‌ای دیده شد به بستن آن اقدام نمایند. در نتیجه بازرسی، خزانه گرمابه‌های زیر مسدود شده است: گرمابه شاه، خان، شاهزاده‌ها، سرجوی الیاداران، حاجی زرنگار (نقش جهان، ۲۲ مهر ۱۳۲۵: ۲).

یک خبر دیگر:

آقای یزدان رئیس بازرسی شهرداری به معیت مأمورین حکومت نظامی، آب خزانه‌های گرمابه‌های حاج بنان، جنت، سنگ، کرباس، نو، نمکی، قلمکار، کرسی شیخ‌الاسلام، و علی‌اکبر را تخلیه و گرمابه‌داران ملزم شده‌اند فوراً درب خزانه‌ها را مسدود و از دستک و خزانه استفاده ننمایند و چون حمام خان مجدداً از خزانه استفاده کرده بود درب حمام بسته شد (نقش جهان، ش ۵۲۴، ۲۶ مهر ۱۳۲۵: ۳).

متن خبر بعدی که از مقاومت حمامی‌ها نشان دارد:

عده‌ای از گرمابه‌دارها به تصور این که این مرتبه هم مثل سابق اگر اقدامی از طرف شهرداری در جلوگیری از تخلیفی شود، به همان اقدام اولیه اکتفا و بعدها تعقیب نخواهند شد، از وجود خزینه‌های آب گرم سوءاستفاده و با وصف این که پی‌درپی اقدام به زیرآب‌زدن شده، دست از عملیات خود برنداشته و عده زیادی از اهالی را مریض و برای جلب نفع خود، مردم را در آن منجلاب‌های کثیف فروبرده، از مسدود نمودن آن‌ها خودداری نموده‌اند. مع الوصف برخلاف انتظار آن‌ها، اداره شهرداری با کمک مأمور فرمانداری نظامی با جدیت هر چه تمام‌تر مشغول جلوگیری و مرتباً این موضوع را تعقیب و تا حال به هیچ قسمی نتوانسته‌اند مأمورین شهرداری را اغفال کنند. کما این که گرمابه‌های حاج‌بنان، شاه، خان تا حال سه مرتبه زیرآب‌زده شده و باز از عملیات خود دست‌برنداشته‌اند (نقش جهان، ۳ آذر ۱۳۲۵: ۴).

حمام‌های زنانه نیز از نظارت شهرداری مصون نبودند. شهرداری از بازرسان زن برای این کار استفاده می‌کرد:

بر حسب دستور آقای غفاری، شهردار اصفهان، از طرف دایره بازرسی، عده‌ای بازرس و مأمور انتظامی فرماندار نظامی به معیت بانو محسنی، بازرس شهرداری، به وضعیت گرمابه‌ها رسیدگی و گرمابه‌هایی که به واسطه عدم مطابقت با ابعاد مقرر شهرداری یا کثافت آب، زیرآب زده شده به شرح زیر است... (همان، ۲۵ آذر ۱۳۲۵: ۴).

اقدام دیگر شهرداری، علاوه بر خالی کردن آب خزینه‌ها، استفاده از اهرم جریمه نقدی بود:

متصدی گرمابهٔ خلیج‌ها به علت بازبودن خزینه، محکوم به پرداخت ۱۳۵ ریال. متصدی گرمابهٔ زرنگار به علت بازبودن خزینه محکوم به پرداخت ۱۳۵ ریال. متصدی گرمابهٔ بنکدار به علت بازبودن خزینه محکوم به پرداخت ۱۳۵ ریال. متصدی گرمابهٔ خان محلهٔ نو محکوم به پرداخت ۲۰۰ ریال. متصدی گرمابهٔ حق‌وردی محلهٔ نو محکوم به پرداخت ۲۷۰ ریال (نقش جهان، ۲۴ دی ۱۳۲۵: ۴).

مبارزهٔ نفس‌گیری بود که گویا شهرداری با تمام ابزارهای کنترل به میدان آمده بود. انواع مجازات‌ها در نظر گرفته شد. آیا از این پس حمامی‌ها خزانه‌های خود را برچیدند؟ با کمال تأسف به موجب مطلب روزنامه، خزانه‌ها برچیده نشد، بلکه ابعاد آن کوچک گردید. حمامی‌ها به جای خزانهٔ اصلی، در گوشه‌های پنهان حمام حوضک‌های یک‌نفره‌ای درست می‌کردند تا نقش خزانه‌های یک‌نفره را بازی کند! (نقش جهان، ۲ خرداد ۱۳۲۶: ۴).

حادثه‌ای که در سال ۱۳۳۳ش / ۱۹۵۴م در حمام دردشت اتفاق افتاد، دوباره همه را نسبت به موضوع خزانه‌ها حساس کرد. دو دختر بچه در خزانهٔ حمام دردشت جان سپردند. این امر موجب اعتراض مجدد به تعطیل نشدن کامل خزینه‌ها در برخی حمام‌ها شد. روزنامه موضوع تغسیل مراجعین را پیش می‌کشد:

چه بسا مؤمنین برای غسل کردن ناچار بودند در خانهٔ خودشان آب گرم کنند و این عمل شرعی را انجام دهند. در صورتی که خود این عمل هم بحث جداگانه‌ای است، و [برای] غسل کردن لازم نیست چندصد مرتبه به زیر آب رفت. و آیا در جزیرهٔ العرب هم این همه آب یافت می‌شده که مؤمنین چند ساعت در آب فروبروند؟ از لحاظ شرع برای وضو و غسل کردن به صورت «تدهین» یعنی روغن‌مالی مکفی می‌باشد (چهلستون، ۱۰ تیر ۱۳۳۳: ۲).

۸. مضرات دوش‌ها!

نکتهٔ بسیار زننده آن بود که بعد از شهریور ۲۰، برخی از حمامی‌ها که نمی‌خواستند یا می‌ترسیدند دوش خود را جمع کنند، مجرای آب آن را به آب خزانه وصل کرده بودند! توصیفی از یک حمام از زبان یک خواننده می‌گوید: «از همه بدتر آب کثیف خزینه بود که در لوله‌های دوش‌ها جریان داشت (اخگر، ۱۶ آذر ۱۳۲۱: ۳).

اما، مشکل اصلی دوش‌ها از جای دیگر سربرآورد و آن ریشه در مفاصل اخلاقی نهفته در جامعهٔ دوران پهلوی داشت. از آنجا که رویکرد بعضی افراد جامعه چنین است که از

هر چیز خوب، سوءاستفاده‌هایی نیز می‌کنند، در سال ۱۳۲۱ش/ ۱۹۴۲م، محتوای دستور وزارت بهداشتی معلوم می‌کند بعضی مشتریان از اتاقک دوش حمام‌ها برای مقاصد دیگری نیز استفاده می‌کرده‌اند. این موضوع بعد از شهریور ۲۰ که بنیان‌های اخلاقی جامعه متزلزل گردید، شدت یافت، به طوری که وزارت بهداشتی در دستوری مقرر کرد:

از قبول دو نفر مرد و زن یا دو نفر مرد یا دو نفر زن در یک دوش خصوصی به کلی خودداری نمایند و لذا از طرف دایره بازرسی شهرداری دستور اکید به مأمورین صادر شده است که در صورت مشاهده چنین تخلفی فوراً متخلف را به دادگاه شهرداری جلب و به اشد مجازات او را محکوم نمایند (همان، ۲۲ مرداد ۱۳۲۱: ۲).

اما، این فساد رخنه‌کننده با یک دستور دولتی خاتمه نیافت. در سال ۱۳۲۴ش/ ۱۹۴۵م، روزنامه‌تقش جهان به قلم یکی از خوانندگانش، نامه‌ای به چاپ رسانید:

متأسفانه شنیده می‌شود بعضی حمامی‌ها به خیال افتاده از این راه مبالغی به عواید روزانه خود افزوده، مقام خانم رئیس‌ها را اشغال نمایند. برای مبلغی که اضافه از پول حمام می‌گیرند، زن فاحشه و مرد اجنبی را در حمام پذیرفته، یک نمره را برای ساعتی به اختیار آن‌ها می‌گذارند (نقش جهان، ۲۲ آذر ۱۳۲۴: ۱).

هشت سال بعد در سال ۱۳۳۲ش/ ۱۹۵۳م، معلوم شد که این معضل هنوز کاملاً حل نشده است. یکی از خوانندگان روزنامه‌چهلستون هشدار داد: «گرمابه‌های جلانی و قصر و جهانبانی و نمره‌های آن‌ها همیشه از امارد^۱ و ساده‌لوح که فریب‌خورده هستند، به این اماکن با اشخاص ناباب ایاب و ذهاب می‌نمایند. حتی فواحش هم با مردان می‌روند» (چهلستون، ۱۵ تیر ۱۳۳۲: ۳). صاحب نامه پیشنهاد کرد: «اگر استادان گرمابه‌ها را ملتزم نمایند که این‌گونه اشخاص را دونفتری راه ندهند و تحقیق و تفتیش بنمایند کار خیلی سهل است و اگر جلوگیری نمی‌شود اجازه فرمایند تا خود مردم اقدام نمایند». مدیر روزنامه پس از چاپ این مطلب به درستی به شهربانی اصفهان هشدار داد: «نگذارند مردم نسبت به گرمابه‌های عمومی بدبین شوند» (همان: ۱).

۹. چاله‌حوض‌ها را ببندید

از بسته‌شدن چاله‌حوض‌ها در عصر مشروطه سخن به میان آمد. در سال ۱۳۱۶ش/ ۱۹۳۷م، شهربانی اصفهان حمامی‌ها را ملزم کرد که نباید از چاله‌حوض استفاده شود. حمامی‌ها نامه‌ای به حکمران اصفهان نوشته، درآمد خود را از این چاله‌حوض‌ها قلمداد کرده بودند:

نظر به این که مدت نه ماه ضرر^۷ و خسارت می دهیم، برای این سه ماه تابستان که از عهده دادن مالیات بر عایدات و خسارت دیگر و مخارج خانواده خودمان برآیم، چونکه مالیات تمام حمامها را از روی کرایه حمام تشخیص داده، اگر امر به بازکردن چاله حوضها نشود، تمام ماها بیچاره و بدبخت خواهیم شد (ساکما اص: ۲۹۳/۲۲۶۷).

حکمران با چاله حوضها مخالفتی نداشت، لذا به شهربانی نوشت:

با اقداماتی که برای تهیه وسایل شنا از نقطه نظر ورزش به عمل می آید، جلوگیری از شنا در حمامها موردی ندارد و مقتضی است دستور رفع مزاحمت صادر گردد و چنانچه دستوری در این خصوص و در این موضوع صادر شده مراتب را برای اطلاع حکومت اعلام فرمایید (همان).

ریاست شهربانی اصفهان پاسخ داد:

گذشته از این که چاله حوض بازی از رسوم پوسیده قدیمی می باشد، متضمن مفاسد اخلاقی بی شماری است که قانوناً قابل تعقیب خواهد بود. اینک برای مزید استحضار قسمتی از نظامنامه امور خلافی که مربوط به این عمل است ذیلاً درج می گردد: فقره اول از ماده ۷ از قسمت اول فصل سوم نظامنامه خلافی «کسانی که در جاهای مرتفع کبوترپرانی نمایند و یا بادبادک بازی کنند و همچنین کسانی که چاله حوض بازی نمایند، مجازات آنها از یک روز الی دو روز حبس تعزیری و یا مالی و به سه ریال الی ده ریال می باشد» (ساکما اص: ۲۹۳/۲۲۶۷).

به نظر نمی آید شهربانی از نظر خود برگشته باشد.

۱۰. غسل اموات در حمام ممنوع!

گزارش هایی از رویه غسل اموات در حمامهای برخی روستاها و شهرهای اطراف اصفهان در دست است. قبلاً، مذکور شد که رئیس بهداری اصفهان طی نظامنامه ای غسل اموات را در حمامهای شهر ممنوع کرده بود. شاید از همان اوایل دوره رضاشاه که قبرستانهای درون محلات اصفهان منسوخ شد و فقط یک قبرستان خارج شهر یعنی تخت فولاد تعیین گردید، قبرستانی که غسلخانه نیز داشت، این رسم در اصفهان برافزاده باشد. به هر حال، در سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م، شهرداریها اقداماتی را برای ممانعت از این کار آغاز کردند. مطابق یک سند، بخشداری سده پنج حمامی رهنان (روستای اطراف سده) را گرد آورده و از آنها التزام گرفت: «اولاً در هر ۲۵ یوم یک مرتبه زیرآب خزینهها را بزنند و مرتباً عوض نمایند.

ثانیاً اشخاص کچل را به هیچ‌وجه در حمام‌ها راه ندهند. ثالثاً لباس در حمام نگذارند شسته شود. رابعاً میت را مانع شوند از غسل دادن در حمام‌ها» (ساکما اص: ۳۳۹/۵۹۳). اما، اموات را باید کجا بشویند؟ صحیة بلدیة سیده در گزارشی به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۲ پیشنهاد کرد:

راجع به امر غسلخانه قریه رنان، نظر به صحت عمومی مطابق با اصول صحی، نباید در حمام‌ها جنازه شستشو دهند. برای آن‌که میکروب جنازه از حمام به واسطه عدم آفتاب قطع و خارج نخواهد شد و سرایت به عموم اهالی می‌کند و باعث امراض گوناگون می‌شود. لهذا برای آسایش اهالی فعلاً سنگ جنازه‌شویی که در حمام است، به محل رختشورخانه حمل کنند که آن آب از داخل قریه به خارج صحرا می‌رود و جنب همان قنات یک چاه حفر کنند که آب جنازه داخل چاه شود برای آن‌که آشامیده نشود. موقتاً آن محل را غسلخانه قرار دهند تا آن‌که بعداً برای غسلخانه و ساختمان آن یک محلی معین شود (همان).

این موضوع با مخالفت‌هایی مواجه گردید. بعضی از مردم رهنان به بخشدار سده نوشتند:

چون در قریه مذکور غسلخانه بنا نشده و به جهت سردی هوا، غسل دادن متوفیات باعث مشقت و صدمه این بیچارگان می‌باشد، تا کنون در گوشه حمام رنان که قدیماً به جهت امر غسل دادن متوفیات مشخص می‌باشد، و فعلاً اداره محترم بلدیة سده التزام از حمامی‌های قریه رنان گرفته که میت در حمام غسل داده نشود، علی‌هذا از آن مقام محترم تقاضا نمودیم که امر و مقرر فرماید که در همان مکان منظوره حمام، متوفقات این فدویان غسل داده شود (همان).

در هر صورت غسل اموات در حمام‌ها جزو اقدامات ضد حکومتی محسوب شد.

۱۱. دستورهای تازه برای بالابردن سطح بهداشت حمام‌ها

موضوع خزینه‌ها تقریباً تا پایان دهه چهل در حال حل شدن بود؛ یعنی، شاید در خود شهر دیگر حمامی با خزینه وجود نداشت. سطح فرهنگ عمومی آن‌قدر بالا رفته بود که جامعه مخاطب خود نمی‌خواست با رفتن در خزینه حمام‌ها، بهداشت فردی و جمعی را به خطر اندازد. از سوی دیگر، شهرداری امور مربوط به بهداشت عمومی را به اداره بهداشتی (زیر نظر وزارت بهداشتی) سپرده بود. در این شرایط، اولیای امور می‌توانستند به سطوح بالاتر بهداشت حمام‌ها دقت کنند. در سال ۱۳۴۹ ش/ ۱۹۷۰ م، اعلام شد که هرکس باید وسایل شخصی خود را با خود به حمام ببرد و استفاده از حوله و لنگ حمامی مغایر با بهداشت عمومی و خلاف است.

اداره کل بهداشتی استان اصفهان به اطلاع کلیه گرمابه‌داران می‌رساند که ظرف مدت یک هفته وسایل عمومی را از قبیل حوله، لنگ و کیسه جمع‌آوری نمایند. اداره کل بهداشتی از عموم اهالی محترم اصفهان درخواست کرده است در موقع رفتن به گرمابه از وسایل شخصی استفاده نکنند. این اقدام به منظور جلوگیری از بروز بیماری‌های مختلف صورت گرفته است (اصفهان، ۲۲ دی ۱۳۴۹: ۶).

یک سال بعد، حمام‌های شهر درجه‌بندی و نرخ‌گذاری شده بود، ولی هنوز حمام‌هایی بودند که تخلفات بهداشتی داشتند؛ موضوعاتی که از چشم مردم عادی شهر و روزنامه‌ها پنهان نبود. چند مورد از این تخلفات در نامه روزنامه اصفهان:

چند ماهی است که شهرداری و بهداشتی متفق شده‌اند تا حتماً گرمابه‌های اصفهان را بهداشتی و درجه‌بندی کنند. هنوز فاضلاب بسیاری از گرمابه‌هایی که در مجاورت نهرهای آب قرار دارد، شبانه به داخل نهرها سرازیر می‌گردد. هنوز به طور کامل مشخص نیست که کدام حمام در این شهر درجه یک است و کدام درجه دو و سه. هنوز دوش‌های بسیاری از گرمابه‌ها در ندارد و هنوز چند نفر به داخل یک دوش خصوصی فرستاده می‌شوند. درست است که شهرداری نرخ گرمابه‌ها را تعیین نموده و صورت چاپ‌شده‌ای تحت اختیار آنها گذارده که در مقابل دید مشتریان قرار دهند، ولی آیا چند حمام در این شهر به دستور شهرداری عمل کرده‌اند؟ (اصفهان، ۱۴ تیر ۱۳۵۰: ۶).

۱۲. نتیجه‌گیری

امروزه، به مدد لوله‌کشی آب، دیگر در همه خانه‌های شهر حمام خصوصی وجود دارد. حمام‌های عمومی شهر بیشتر مورد استفاده مسافران و غرباست. تا حدود ۴۰ سال پیش، داستان خزینه‌های آلوده، جزئی از تاریخ اجتماعی شهر بوده است. امروزه، استفاده از خزینه لافل در تمامی حمام‌های شهری منسوخ شده است. این فرآیند، محصول بالارفتن سطح سواد شهرنشینی بود که بر همه معلوم کرد خزینه‌ها، بهداشت و سلامتی فرد و جامعه را مورد تهدید جدی قرار می‌دهند؛ جریانی که با احساس مسئولیت و فعالیت نهادی به نام شهرداری تکمیل گردید. بر آن دسته از مردم مؤمن احتیاط‌کار نیز یقین حاصل شد که با دوش هم می‌توان غسل کرد. شهرنشینی که از حمام به عنوان «پاتوق» استفاده می‌کردند، اکنون به محل‌های دیگری همچون قهوه‌خانه‌ها روی نموده‌اند. دیگر کسی حوصله ندارد چند ساعت از وقت خود را در حمام بگذراند. پس، حمام به کاربری اصلی خود یعنی پاکیزگی بازگشته است. لوله‌کشی آب و تغییر سبک معماری خانه‌های شهر، محلی برای

استحمام را نیز در نقشه خانه‌ها باز کرد؛ جایی که از ملزومات ضروری هر خانه شهری گردید. خزینه‌ها و ماجراهای آن با تمام مضرات بهداشتی، کم‌کم فصلی از تاریخ اجتماعی شهر محسوب گردیده و خوب است تا تمامی خاطرات مربوط به آن‌ها به فراموشی تاریخ سپرده نشده، در جایی ثبت و ضبط گردند.

پی‌نوشت

۱. بر اساس نظر اغلب مراجع، آب کر آبی است که «اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک سه و جب و نیم است بریزند، آن ظرف را پر کند» (رساله‌های توضیح‌المسائل).
۲. چهارحوض یا چاله‌حوض چیزی شبیه به استخرهای کوچک است که در حمام‌های بزرگ وجود داشت و برای شنا و آب‌بازی از آن استفاده می‌گردید. این استخرها گاهی تا ده متر نیز طول داشتند. نمونه چاله‌حوض را می‌توان در حمام علی‌قلی‌آقا در اصفهان یا حمام مهدی‌قلی‌بیک مشهد مشاهده کرد.
۳. درباره این فعالیت‌های شهرداری اصفهان ← رجایی، ۱۳۸۷: فصل سوم.
۴. موضوع استفاده از چراغ‌های موشی در گرمخانه حمام باعث ایجاد دردسرهای دیگری می‌شد. «سوختن روغن با دود فراوان و غلیظی همراه بود که با بخار آب فضا درهم می‌آمیخت و هوایی گرفته و خفه ایجاد می‌کرد و تصاویر موهوم از حرکت بخار آب و دود به چشم می‌خورد و موجب توهمات چون حضور اجنه در حمام می‌گردید. در این زمینه خرافات و داستان‌های زیادی از حضور اجنه در حمام، عروسی آن‌ها در حمام و اذیت‌کردن انسان‌ها در افراد شایع بود» (ادیب، ۱۳۸۴: ۹۷).
۵. دستک: حوض‌های کوچکی که در بعضی قسمت‌های حمام از جمله اطراف خزانه تعبیه می‌شد و بعضی‌ها بعد از خزانه، برای بیشتر پاک‌شدن، در آن نیز بدن خود را فرومی‌بردند.
۶. امارد: جمع امرد، پسران نابالغ و بدون ریش.
۷. در اصل «زرر» آمده است.

منابع

- اخوت، میرزا عبدالجواد (۱۳۸۶). *از طبابت تا تجارت، خاطرات یک تاجر اصفهانی*، به کوشش مهدی نفیسی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ادیب، عباس (۱۳۸۴). *از مکتب‌خانه تا دانشگاه*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان صنیع‌الدوله (۱۳۸۵). *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

بحرینی، شیخ علی (۱۳۵۰). *نزهت در آداب حمام رفتن و لباس پوشیدن و سفرکردن*، کرمان: چاپخانه سعادت. پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸). *سفرنامه*، ترجمه کیکوس جهاننداری، تهران: خوارزمی. جناب، میرسید علی (۱۳۷۱). *الاصفهان*، به کوشش عباس نصر، اصفهان: گل‌ها. جواهرکلام، علی (۱۳۹۱). *یادداشت‌های سفر اصفهان*، به کوشش عبدالمهدی رجائی، قم: مجمع ذخایر اسلامی.

دانشور، محمود (۱۳۲۶). *دیننی‌ها و شنیدنی‌های ایران*، ج ۲، بی‌جا: بی‌نا. رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۷). *تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول*، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶). *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز*، تهران: اطلاعات. *روزنامه‌انگهر*، ۴ آذر ۱۳۰۷: ش ۲۱، ص ۵؛ ۲۳ آبان ۱۳۰۷: ش ۱۳، ص ۴؛ ۲ بهمن ۱۳۰۸: ش ۲۹۱، ص ۱؛ ۴ دی ۱۳۰۹: ش ۴۸۳، ص ۲؛ ۲۶ خرداد ۱۳۱۱: ش ۷۵۶، ص ۴؛ ۲۴ بهمن ۱۳۱۱: ش ۸۲۱، ص ۱؛ ۵؛ ۳۰ بهمن ۱۳۱۲: ش ۹۲۳، ص ۲؛ ۲ شهریور ۱۳۱۵: ش ۱۱۶۷، ص ۲؛ ۱۱ آبان ۱۳۱۵: ش ۱۱۸۷، ص ۱؛ ۱۸ آبان ۱۳۱۵: ش ۱۱۸۹، ص ۲؛ ۲۴ تیر ۱۳۱۶: ش ۱۲۵۴، ص ۳؛ ۵ اردیبهشت ۱۳۱۷: ش ۱۳۳۰، ص ۳؛ ۲۵ مرداد ۱۳۱۷: ش ۱۳۶۱، ص ۱؛ ۱۸ آذر ۱۳۱۹: ش ۱۵۸۲، ص ۴؛ ۲ آذر ۱۳۲۰: ش ۱۷۰۲، ص ۵؛ ۱۰ اسفند ۱۳۲۰: ش ۱۷۳۲، ص ۲؛ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۱: ش ۱۷۵۳، ص ۲؛ ۱۶ آذر ۱۳۲۱: ش ۱۸۰۸، ص ۳؛ ۲۲ مرداد ۱۳۲۱: ش ۱۷۷۷، ص ۲.

روزنامه اصفهان، ۶ بهمن ۱۳۲۲: ش ۷۱، ص ۳؛ ۱۷ تیر ۱۳۲۷: ش ۴۷۸، ص ۲؛ ۲۲ دی ۱۳۴۹: ش ۲۲۵۳، ص ۶؛ ۱۴ تیر ۱۳۵۰: ش ۲۳۸۹، ص ۶.

روزنامه انجمن مقدس ملکی اصفهان، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ش ۱۴، ص ۲. *روزنامه چهلستون*، ۱۰ تیر ۱۳۳۳: ش ۱۳۱، ص ۲؛ ۱۵ تیر ۱۳۳۲: ش ۸۴، ص ۳. *روزنامه فرهنگ اصفهان*، ۲۶ صفر ۱۲۹۸: ش ۸۳، ص ۲؛ ۲۸ صفر ۱۳۰۴: ش ۴۰۶، ص ۴. *روزنامه نقش جهان*، ۱۸ آذر ۱۳۲۰: ش ۴۲، ص ۲؛ ۱۴ بهمن ۱۳۲۴: ش ۳۸۹، ص ۵؛ ۲۲ مهر ۱۳۲۵: ش ۵۵۲، ص ۲؛ ۲۶ مهر ۱۳۲۵: ش ۵۵۴، ص ۳؛ ۳ آذر ۱۳۲۵: ش ۵۷۶، ص ۴؛ ۲۲ آذر ۱۳۲۴: ش ۳۵۱، ص ۱؛ ۲۵ آذر ۱۳۲۵: ش ۵۸۷، ص ۴؛ ۲۴ دی ۱۳۲۵: ش ۶۱۱، ص ۴؛ ۲ خرداد ۱۳۲۶: ش ۶۶۸، ص ۴.

سازمان اسناد ملکی اصفهان (ساکما اص): سند شماره ۲۹۳/۲۲۶۷؛ سند شماره ۳۳۹/۵۹۳. سرنا، کارلا (۱۳۶۳). *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو. شهری، جعفر (۱۳۷۰). *طهران قدیم*، تهران: معین.

شیخ‌الاسلام، جعفر (۱۳۸۵). *یاد باد آن روزگاران*، اصفهان: نقش خورشید. فروزانفر، اسکندر (۱۳۹۰). *سرگذشت من*، تهران: بی‌نا.

کثیری، مسعود (۱۳۸۸). *درآمدی بر پیشینه پزشکی اصفهان*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجلسی، ملا محمدباقر (۱۳۷۳). *حلیه‌المتقین*، تهران: چاپخانه اسلامی. هولستر، ارنست (۱۳۵۵). *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی